

بچه‌ها سر کلاس انیمیشن
نگاهی به پیام‌های پنهان انیمیشن‌های کلاسیک

۱۹



پسر دلفینی چطور محبوب شد؟
بررسی روانشناختی انیمیشن‌های موفق ایرانی

۲۰

چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ | ۲۵ ذی‌القعدة ۱۴۴۴ | سال سی و یکم | شماره ۸۷۹۹

همیشه برای فرهنگ



چرا انیمیشن‌های ایرانی موفق نمی‌شوند؟

یک استاد دانشگاه می‌گوید که انیمیشن‌های خارجی در لفافه حرفشان را می‌گویند و انیمیشن‌های ایرانی به شکل مستقیم

پیام مستقیم برای کودکان جذابی نیستند

حسن زرایی به همشهری می‌گوید: نمی‌توان تأثیر تماشای انیمیشن‌ها در کودکان و حتی نوجوانان را انکار کرد. کودکان و نوجوانان نسل امروز که در معرض اطلاعات فراوان فضای مجازی هستند، به خیلی از رویدادها و اتفاقات دسترسی دارند.

یکی از تفاوت‌های تولید انیمیشن‌های ایرانی و خارجی این است که با در نظر گرفتن این موضوع که هر انیمیشن یا داستانش پیامی به مخاطب دارد، پیام‌ها در انیمیشن‌های خارجی در لفافه است و کودکان یا نوجوان با تماشای آن می‌تواند به راحتی به آن دست یابد اما در انیمیشن‌های ایرانی تمام پیام‌ها به شکل مستقیم روایت می‌شود؛ روایت مستقیمی که جذابی برای کودکان امروز ندارد. ببینید در کارتون پینوکیو پیامی که کودک دریافت می‌کند این است که اگر دروغ بگوید، دماغش دراز می‌شود. دماغ دراز هم صورت را زشت می‌کند؛ پس نباید دروغ گفت. اما وقتی یک انیمیشن ایرانی را نگاه می‌کنیم، پیام‌ها با یک روایت خطی در انیمیشن گفته می‌شود. باید اخلاق را به نوعی به کودک امروز فهماند که آن را در عمل ببیند نه به شکل مستقیم.

ضعف در فیلمنامه

زرایی به تولیدات انیمیشن‌های ایرانی اشاره کرده و توضیح می‌دهد: «در بعضی مواقع یک کار ضعیف باعث کم‌اثر شدن یک مفهوم قوی می‌شود. فیلمسازها برای استفاده از این مفاهیم در آثار خود باید با دقت عمل کنند و همه عوامل برتر را در خدمت بگیرند. از تکنیک مدرن تا فیلمنامه مناسب و قدرتمند باید در خدمت باشند تا کاری شایسته ارائه مفاهیم الهی، ساخته شود. متأسفانه بزرگ‌ترین نقص در فضای انیمیشن ما ضعف فیلمنامه است. اکثر کارهای انجام شده نیز از این جهت دچار نقص شدید هستند. تولیدات انیمیشن در ایران باز خورد و برگردان سرمایه ندارد، ولی در کشورهای صاحب‌نام در عرصه فعالیت انیمیشن، بازار جهانی مهم‌ترین اصل را داراست؛ به‌عنوان نمونه اگر «والد دیزنی» برای یک فیلم سینمایی صدها هزار دلار هزینه می‌کند، با بازاریابی مناسب در جهان چندبرابر هزینه صرف شده برای ساخت را به دست می‌آورد.»

گزارش

فهیمة پناه‌آذر روزنامه‌نگار

حسن زرایی، استاد دانشگاه و کارگردان انیمیشن است که در جشنواره‌های مختلف انیمیشن به‌عنوان داور به ارزیابی انیمیشن‌های گوناگونی پرداخته است. او عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دانشگاه صدا و سیماست. تدریس دروس تخصصی انیمیشن، تهیه‌کنندگی و کارگردانی فیلم‌های انیمیشن، داستانی، مستند و برنامه‌های تلویزیونی، ترجمه و تألیف ۴ جلد کتاب تخصصی انیمیشن، نویسندگی بیش از ۱۰ مقاله تخصصی در زمینه انیمیشن و دبیری و داوری جشنواره سراسری فیلم دانشجویی کشور و جشنواره‌های دیگر، از جمله سوابق اوست. این استاد دانشگاه مانند دیگر فعالان این عرصه معتقد است که در نظر گرفتن رده سنی برای تولید انیمیشن‌ها بسیار مهم است، اما سازندگان انیمیشن‌های ایرانی توجه زیادی به آن ندارند. البته وی یادآور می‌شود که این توجه در چند سال اخیر بهتر شده و تیم‌های سازنده انیمیشن‌ها از همان زمان نگارش فیلمنامه، رده‌های سنی مختلف را در نظر می‌گیرند.

برای نوجوان امروز هیچ کاری نکرده‌ایم

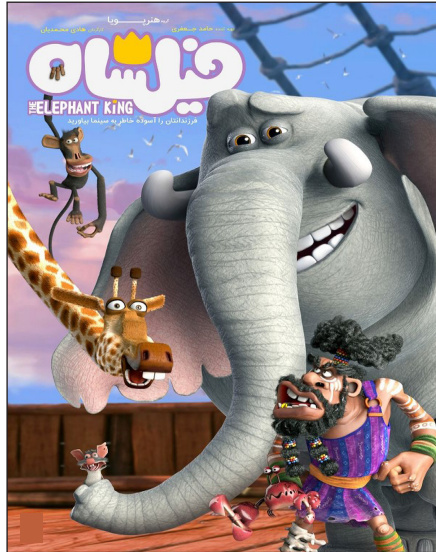
زرایی همچنین گفت: همانطور که گفته شد در دهه‌های گذشته کودکان آنقدر در معرض اطلاعات نبودند و عینی‌گرایی بیشتری داشتند. الان هم این عینی‌گرایی در رده سنی کودکان دیده می‌شود. کودک پیام را به شکل ذهنی دریافت می‌کند و تحلیلی درباره آن ندارد، اما هر قدر بزرگ‌تر می‌شود به تحلیل می‌رسد. برای نوجوان امروز ما هیچ انیمیشن‌هایی وجود ندارد که بتواند آن را تماشا کند. دست ما برای نوجوان امروز در تولید انیمیشن‌های جذاب خالی است، ولی تا دلالت نخواهد انیمیشن‌های خارجی وجود دارد.

حکایت‌های پندآموز باید منبع تغذیه انیمیشن باشند

موجودی دیگر شد. این مسئله درست است که داستان با کنش‌ها و تصمیمات شخصیت اصلی شکل می‌گیرد و تغییرات شخصیت اصلی است که مسیر داستان را عوض می‌کند، اما تغییر شخصیت یک روند است و نه یک حادثه. در یک فیلمنامه شخصیت‌محور مانند فیلیشه ما باید با روند تغییر شخصیت مواجه شویم و این تغییر باید در بسترهای فرهنگی-زیستی شخصیت، موجه و هدفمند باشد. به‌نظر می‌رسد چند نکته بودن متن، به‌دلیل تقلیدی بودن و اصیل نبودن، اجازه نمی‌دهد که شخصیت خود را در دل آن تعریف و از طریق مناسبات جاری آن، خود را بازنمایی کند؛ برای همین است که تغییرات فیلیشه حاصل طی شدن یک روند نیست و تنها اقتضات داستان است که به این قضیه حکم می‌کند. متنی که در یک بستر فرهنگی قدرتمند شکل گرفته باشد و هر گوشه‌ای را و امدا مرتنی دیگر نباشد، از طریق مناسبات جاری فرهنگی خود می‌تواند به آرزوها، دلایل

با مطالعه داستان‌های شرقی به‌خصوص داستان‌های قدیمی ایرانی چندین مولفه مورد نیاز انیمیشن یافت می‌شود. تخیل، فانتزی، رویاگرایی و سادگی از مولفه‌هایی است که در قدیمی‌ترین قصه‌ها و حکایت‌های ایرانی وجود دارد؛ حکایت‌های عارفانه مانند تذکره‌الاولیاء، حکایت‌های پندآموز مانند گلستان، قابوس‌نامه، قصه‌های بیدپای و صفحات زیاد داستان که سال‌های سال می‌توانند منبع تغذیه انیمیشن باشند. از جنبه بصری نیز کدام تصاویر در جهان می‌تواند به اندازه مینیاتورهای ایرانی تمام مولفه‌های انیمیشن را در خود داشته باشد؟

برای مثال در مسئله شخصیت پردازی و تأییراتی که شخصیت در روند داستان دارد می‌توانیم به فیلمنامه فیلیشه نظری بپردازیم؛ شخصیتی که در ابتدا دست و پاچلفتی و از انجام کارهای کوچک هم ناتوان بود اما ناگهان در میانه داستان و در دل حادثه تبدیل به



رهبری

صدمات امپراتوری هنری به تربیت کودک

سعی کنید در این قصه‌گویی و در این کار هنری، نخستین چیزی را که در کودک ایجاد می‌کنید، ایمان باشد. هیچ چیز، معادل ایمان نیست. شما از این بچه، هر چه بخواهید بسازید، باید در او ایمان به وجود آورید. بدترین ضربه‌ای که امپراتوری هنری و هنری زد، این بود که شبیه عظیم فساد در دنیا را در این سال‌های متعادی راه انداخت - که متأسفانه در دوره پهلوی، پرش ما را هم گرفت - هر هنری مذهبی و بی‌ایمانی را رواج داد که انسان در دل و جان خودش، به هیچ ستونی متکی نباشد! سعی کنید بچه‌ها را با ایمان کنید؛ ایمان به خدا، ایمان به حقیقت مطلق و ایمان به اسلام. اگر این بچه‌ها با ایمان پرورش پیدا کردند و شما توانستید پدر ایمان را در دلشان بکارید، در آینده می‌شود از آنها هر شخصیت عظیمی ساخت و برای هر کاری مناسبند. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۷/۲/۲۳)

پادداشت
امیر خداداد همدانی دبیر گروه فرهنگ

بایسته‌های خوراک‌رسانه‌ای برای کودک

کودکان قهرمانان خود را از میان شخصیت‌های کارتون‌ها و محصولات نمایشی مانند انیمیشن انتخاب می‌کنند و از آنها برای خودی‌م‌سازی و همه تلاش و آرزویشان این است که مانند آنها رفتار کنند. در این میان، شناخت، تحلیل و انتخاب تولیدات رسانه‌ای از جمله انیمیشن، برای پدر و مادر کار آسانی نیست، زیرا از یک طرف از برخی پشت‌پرده‌های اقتصادی و البته فکری سازندگان انیمیشن‌ها، مطلع نیستند و از طرفی هم نمی‌توانند نسبت به علایق فرزندان خود بی‌تفاوت باشند. حال رعایت برخی چارچوب‌ها می‌تواند به والدین در این راستا کمک کند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱ حتماً نسبت به روحیات و ظرفیت‌های روحی فرزندان آگاهی پیدا کنید.
- ۲ برای انتخاب یک محصول مناسب، سایت‌های مختلف مرتبط با اطلاعات محصول مورد نظرتان را بررسی کنید و اطلاعات حداقلی از نکات مربوط به آن محصول کسب کنید.
- ۳ قبل از تماشای محصول مورد نظر نکات تربیتی محصول را بخوانید و متناسب با روحیه فرزندان محصولی را برای مشاهده انتخاب کنید تا کمترین آسیب و بیشترین اثرگذاری مثبت را برای فرزندان داشته باشد.
- ۴ در حین تماشای اثر فرزندان را همراهی کنید و با او به تماشای فیلم یا انیمیشن بنشینید تا در صورت نمایش شاخصه‌های منفی یا اوگت‌گو کنید و از شدت تأثیر منفی آن بکاهید.

البته علاوه بر عمل به این نکات باید دانست که ما کودکان را فارغ از شرایط زندگی، ویژگی‌های منحصر به فرد و روحیات متفاوتی که دارند تا حدود زیادی شبیه به یکدیگر می‌بینیم و توقع واکنش‌های یکسان از آنان داریم در صورتی که کودکان به واسطه جنسیت، سن، شرایط ویژه زندگی، نوع زیست و... در تک‌تفاوتی از اتفاقات دارند. ظرفیت آنها می‌تواند در مواجهه با مسائل واحد متفاوت باشد. این مسئله در مورد واکنش‌هایی که از فرزندان مان بعد از تماشای یک مجموعه تلویزیونی یا فیلم و انیمیشن دریافت می‌کنیم هم صادق است. به‌طور مثال والدین توقع دارند فرزندان در هر بازه سنی رفتار تعریف‌شده و مشخص متناسب با بازه را داشته باشند. در غیر این صورت رفتار فرزندان را خارج از چارچوب طبیعی می‌دانند؛ در صورتی که کودکان به‌واسطه شرایط و روحیات متفاوتی که دارند ممکن است رفتارهایی کاملاً متضاد و خارج از چارچوب تعریف‌شده والدین شان داشته باشند.

بروز و ظهور چنین رفتارهایی در بعضی موارد کاملاً طبیعی است و در موارد خاص دیگر نیاز به مدیریت بهتر پدر و مادر دارد. کودکانی که احساس ترس خود را در مواجهه با یک صحنه ترسناک بروز می‌دهند الزاماً شخصیت ترسو و ضعیفی ندارند بلکه ممکن است شرایط محیطی و ویژگی‌های آنها را به سمت چنین واکنشی کشانده باشند. متقابلاً بی‌توجهی و حتی احساس خوشایندی که از کودک مان بعد از تماشای یک صحنه ترسناک دریافت می‌کنیم، حاصل روحیه جسور و شجاعت بی‌مثال فرزندان نیست. بهتر است پدر و مادرها ضمن آگاهی به تفاوت‌های فردی کودکان نسبت به سایرین با احساسات‌شان برسند.

به‌عنوان نمونه در چند دهه اخیر نمایش خشونت در محصولات رسانه‌ای افزایش چشمگیری داشته است و این مسئله به‌ویژه در انیمیشن‌ها موجب شده که خشونت از سطح بزرگسالی به دوره کودکی انتقال یابد. این در حالی است که کودکان مهارت‌های شناختی، ذهنی و اجتماعی لازم برای درک، توجیه و مقابله با خشونت را ندارند. دنیایی که فیلم و انیمیشن‌ها در ذهن کودکان ترسیم می‌کنند، دنیایی خشن، ناپایمن، بدون عاطفه، مادی، زشت و پر از جنگ و نزاع و درگیری است... این امر یکی از دلایلی است که امروزه سن ارتکاب جرائم و اعمال بزهکارانه و جنایی در مقایسه با گذشته کاهش داشته است. البته میزان بروز و شیوع آن افزایش یافته است.

در رسانه، خشونت در قالب رفتارهای پرخطرگانه، تحمیل اراده به دیگران، پیشبرد هدف و قصدی معقول و نامعقول با توسل به زور، هر نوع گفتار و رفتار غیر متعارف و آزاردهنده، حرکت قهرآمیز ناشی از اراده خاص و نیز اعمال نیروی فیزیکی به جسم یا بدن برای آزار و آسیب رساندن به فرد و یا افرادی تجلی می‌یابد و موجب تهییج هیجان، ترس و اضطراب و... در مخاطب می‌شود. شدت شاخص خشونت نیز با ملاک‌هایی مانند ماهیت مهاجم، ماهیت قربانی، دلیل ابراز خشونت، استفاده از سلاح، وسعت خشونت و میزان بی‌بردی، عواقب خشونت، طنز یا جدی بودن و... مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سرانجام اینکه تشخیص احساسات و تأثیری که رسانه بر کودکان داشته گاهی به سهولت و بعد از دریافت سریع و مستقیم از احساس فرزندان شکل می‌گیرد و گاهی به سستی و طی منتقل‌کننده سبک‌زندگی غربی است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و خوراک‌رسانه‌ای آنها داشته باشیم.

اهمیت پرداختن به هویت انسانی

یک نکته‌ای که در ضمن مطالب این دوستان هم بود، ذهن بنده هم همواره خیلی متوجه به آن است، این است که ما در درجه اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل دهیم و خلقیاتی را در آن به‌وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد. عوارضی وجود دارد. معمولاً این عوارض اخلاقیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما اگر چنانچه شخصیت کودک از آغاز ساخته شد و شکل گرفت، تأثیرات در این زمینه متخصص باشند. مدبری که برای یک مرکز تولید انیمیشن انتخاب می‌شود باید تخصص زیادی در این حوزه داشته باشد چرا که تصمیمات اشتباه باعث می‌شود که مسیر تولیدات هم اشتباه باشد و در نهایت محصولات اشتباهی تولید می‌شود که ما باز خوردشان را چند سال بعد خواهیم دید.

انتقاد از ترویج سبک زندگی غربی

تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند روی ذهن ملت ما و روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، می‌تواند به اقتبال عمومی در سرزمین‌ها و فرهنگ‌های دیگر نیز فکر کند؛ اتفاقی که برای انیمیشن‌سازی ژاپن رخ داده است. بازنشاسی فرهنگ کهن و عمیق ژاپنی توسط انیمیشن‌سازان باعث می‌شود که آنها میناها و کهن‌الگوهای تغییر شخصیتی اصیل ژاپنی را درک کنند. بعد از آن توانستند با همان میناها و شیوه‌ها هر نوع انیمیشن‌سازان بسازند و موفق باشند؛ حتی داستان‌هایی را به تصویر بکشند که خاستگاهی متفاوت از فرهنگ ژاپنی داشتند؛ مانند سفرنامه‌های اروپایی و هزار و یک شب و قصه‌های غربی. فرهنگ ایران نیز مانند فرهنگ ژاپن پر از کهن‌الگوها و میناها و رویایی است. آیا شایسته است با این همه پیشینه، از تصاویری تکراری و آشنا برای گران‌ترین و بهترین انیمیشن ایرانی استفاده کنیم؟ اگر توانیم و نخواهیم به بومی‌سازی فکر کنیم به یقین نمی‌توانیم از لحاظ شیوه‌های ساخت و تکنیک هم به استقلال برسیم و برای برخی امور باید دست به دامن کشورهای دیگر شویم. **فیلم‌نوشت**



تاکلی، علل تغییر و در نهایت کنش نهایی به شخصیت خود هویت و تشخیص بدهد. در چنین شرایطی حتی می‌تواند به اقتبال عمومی در سرزمین‌ها و فرهنگ‌های دیگر نیز فکر کند؛ اتفاقی که برای انیمیشن‌سازی ژاپن رخ داده است. بازنشاسی فرهنگ کهن و عمیق ژاپنی توسط انیمیشن‌سازان باعث می‌شود که آنها میناها و کهن‌الگوهای تغییر شخصیتی اصیل ژاپنی را درک کنند. بعد از آن توانستند با همان میناها و شیوه‌ها هر نوع انیمیشن‌سازان بسازند و موفق باشند؛ حتی داستان‌هایی را به تصویر بکشند که خاستگاهی متفاوت از فرهنگ ژاپنی داشتند؛ مانند سفرنامه‌های اروپایی و هزار و یک شب و قصه‌های غربی. فرهنگ ایران نیز مانند فرهنگ ژاپن پر از کهن‌الگوها و میناها و رویایی است. آیا شایسته است با این همه پیشینه، از تصاویری تکراری و آشنا برای گران‌ترین و بهترین انیمیشن ایرانی استفاده کنیم؟ اگر توانیم و نخواهیم به بومی‌سازی فکر کنیم به یقین نمی‌توانیم از لحاظ شیوه‌های ساخت و تکنیک هم به استقلال برسیم و برای برخی امور باید دست به دامن کشورهای دیگر شویم. **فیلم‌نوشت**